



گفت‌وگوهای با عباس کیارستمی

همراه با گفت‌وگوی صالح نجفی با عباس کیارستمی

با دیباچه‌ای از احمد کیارستمی

گادفری چشایر

ترجمه صالح نجفی

www.ketab.ir

سرشناسه: چشایر، گادفری، ۱۹۵۱. م. Cheshire, Godfrey

عنوان: گفت‌وگوهایی با عباس کیارستمی

نام پدیدآور: گادفری چشایر، ترجمه صالح نجفی

شابک: ۲-۶۴-۸۹۸۷-۶۰۰-۹۷۸. وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی؛ ۲۰۱۹، Conversations with Kiarostami

موضوع: کیارستمی، عباس، ۱۳۹۵-۱۳۱۹. موضوع: سینما -- ایران

شناسه افزوده: نجفی، صالح. ۱۳۵۴-، مترجم.

رده‌بندی کنگره: ۳/۱۹۹۸.PN. رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۰۲۳۳۰۹۲

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۶۲۰۲۳۷۱

www.ketab.ir

با همکاری بنیاد کیارستمی
KIAROSTAMI
FOUNDATION

گفت‌وگوهایی با عباس کیارستمی

گادفری چشایر، ترجمه صالح نجفی

همراه با گفت‌وگوی صالح نجفی با عباس کیارستمی

چاپ سوم، پاییز ۱۴۰۲، ۵۵۰ نسخه

تهران، خیابان انقلاب، چهارراه کالج، ساختمان ۴۰۰، طبقه دوم، واحد ۵، نشر لگا

تلفن تماس: ۹۹ ۶۵ ۹۶ ۶۶ (۰۲۱)

«کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است.»

آدرس فروشگاه آنلاین نشر لگا: www.legapress.ir

اینستاگرام نشر لگا: lega.press

فهرست مطالب

۷	یادداشت مترجم
۱۱	دیباچه احمد کیارستمی
۱۵	مقدمه
۲۵	«گفت وگوهای با کیارستمی»
۳۱	نان و کوجه
۴۱	زنگ تشریح
۴۷	تجربه
۵۱	مسافر
۶۱	منم میتونم
۶۵	دوراهل برای یک مسأله
۶۹	لباسی برای عروسی
۷۷	رنگ ها
۷۹	بزرگداشت معلم ها
۸۳	گزارش
۱۰۳	راه حل یک
۱۰۵	کاخ جهان نما
۱۰۹	قضیه شکل اول، شکل دوم
۱۱۷	دندان درد
۱۲۱	به ترتیب یا بدون ترتیب
۱۲۳	همسرایان
۱۲۷	همشهری

- اولی ها ۱۳۳
- خانه دوست کجاست؟ ۱۳۵
- کلوزآپ یا نمای نزدیک ۱۶۱
- زندگی و دیگرمیچ ۱۷۵
- زیردرختان زیتون ۱۹۱
- طعم گیلاس ۲۰۳
- باد ما را خواهد برد ۲۱۵
- «پیوست» ۲۲۵
- ایرانی که چشم جهان را خیره کرد ۲۲۷
- «گفت وگویی صالح نجفی به کیارستمی» ۲۳۵
- چرخش دیجیتالی عباس کیارستمی ۲۷۱
- پی نوشت: دررئای عباس کیارستمی (۱۹۴۰-۲۰۱۲) ۲۷۹

«یادداشت مترجم»

نام بعضی نفرات

رزق روحم شده است

این ترجمه پیشکشی است به تمام آن نفرات،

و پیش از همه به پویا پارسامقام

این کتاب حاوی شماری از بهترین گفت‌وگوهای به یادگارمانده از عباس کیارستمی است. تجربه‌ی غریبی است به فارسی برگرداندن حرف‌های مردی که جواب‌های نقدنویسی آمریکایی را به فارسی می‌داده. سؤال‌ها را مرد ایرانی دیگری از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌کرده و جواب‌های او به انگلیسی تحویل نقدنویس آمریکایی می‌داده و... سال‌ها بعد یک ایرانی، تانیا احمدی، حرف‌های فیلمساز فقید ایرانی را دوباره از فارسی به انگلیسی برگردانده و اکنون ایرانی دیگری آن حرف‌ها را از انگلیسی به فارسی بر/باز می‌گرداند. سرگذشت این حرف‌هایی شباهت به سرگذشت فیلم‌های صاحب این حرف‌ها نیست. فیلم‌هایی که مدام در سفر بوده‌اند، از تهران به پاریس، به توکیو، به نیویورک، به ونیز و... هر بار که به ایران بازگشته‌اند گویی هویتی تازه یافته‌اند، بس که برابر چشم‌های غیرایرانی ظاهر شده‌اند و لابد از زمانی به بعد فیلم‌های استاد

ایرانی قبل از ساخته شدن این را هم در نظر داشته‌اند که کمی پس از اتمام فرایند تولیدشان می‌باید رخت سفر ببندند و دور دنیا را بگردند و بعد که به وطن برمی‌گردند از چشم‌های ایرانی تمنا کنند که آنها را چنانکه هستند، چنانکه می‌توانند بود، ببینند. گادفری چشایرو، نقدنویس برجسته آمریکایی، در گفت‌وگوهای گردآمده در این کتاب درباره تمام فیلم‌هایی که کیارستمی در سه دهه فعالیت مدام، از ۱۳۴۹ تا ۱۳۷۹، ساخته است بحث می‌کند، گفت‌وگوها در تهران آغاز می‌شود، در راه کوکر ادامه می‌یابد، و به باد ما را خواهد برد منتهی می‌شود. این شاید عالی‌ترین سند موجود درباره سیر تطور و تکامل سینمای کیارستمی باشد. باری، چشایر درباره همه فیلم‌های این سه دهه با خالق‌شان حرف می‌زند اما به واسطه سفر یک فیلم از قلم می‌افتد، یکی از مهم‌ترین فیلم‌های کیارستمی. صدای کارگردان فقید در بسیاری از فیلم‌هایش حضور دارد. در دهه ۴۰ و ۵۰ اثرش خود او را می‌بینیم که پایان فیلمبرداری را اعلام می‌کند. اما در این سه دهه در یکی از فیلم‌هایش او را مدام می‌بینیم، با همان هیبت شمایل‌وارش، بی‌آنکه لب‌خندی بزند، ابزار احساساتی کند، یا تحت تأثیر قرار گیرد... در همان فیلم که صحبت درباره‌اش در این کتاب در قلم افتاده است، مشق شب. گادفری چشایرو جیم کالول این افتادگی را به طرزی عالی جبرon کرده‌اند: روی جلد کتاب عکسی از عباس کیارستمی آمده است، نمایی بسته از مردی که عینک تیره درشتی زده و دهانش کمی باز است. این عکس کیارستمی کارگردان نیست، مردی با عینک تیره پشت دوربین. تصویری است از کیارستمی بازیگر جلو دوربین کیارستمی کارگردان. نمایی است از مشق شب، آنجا که پشت و جلو دوربین، پشت و روی واقعیت، بر هم افتاده‌اند تا حقیقت مطلق را باز نمایند که او از کوره‌راه‌های دروغ‌های سینمایی باز می‌جست.

ترجمه حاضر ضمائم دارد. دو ضمیمه در حقیقت پی‌نوشت‌هایی طولانی‌اند که در آخر کتاب آمده‌اند، اما ضمیمه اول متن پیاده‌شده گفت‌وگویی است که مترجم در سال ۱۳۸۷ با کیارستمی به انجام رساند. آن گفت‌وگو هیچگاه قرار نبود به انتشار

رسد. مترجم آن زمان جوانی سی و سه ساله بود که پنج سالی بود کار ترجمه متن های نظری را آغاز کرده بود. نخستین گام های ترجمه را برمی داشت، گام هایی پراز اشتباه و پراز اشتیاق، و به قیاس از نابازیگران فیلم های کیارستمی شاید هنوز نامترجمی غیر حرفه ای بود. گفت وگو در دفتر حمیده رضوی، دستیار آن سال های کیارستمی، صورت بست. حمیده پیش از استاد از دنیا رفت. در آن نشست، خاطره خدایی، شاگرد کیارستمی، هم حضور داشت. مترجم، سه سال پیش از آن گفت وگو، بعد از سال ها برای بار دوم مشق شب را دیده بود و گریسته بود و احساس کرده بود مهم ترین کشف زندگیش را کرده... کارگردان مشق شب آن زمان شیرین را ساخته بود و در آستانه ساخت کپی برابر اصل بود. مترجم در خیال خود به آن گفت وگو به چشم صحبتی مقلدانه می نگریست. همواره به گفت وگوی دومی می اندیشید. سال ها بعد بادهای تاریخ امیدها و آرزوهای او و بسیاری را با خود بردند. مترجم به تجدید دیدار در میان سالی دل بسته به این مناسبت شاهین قضا غافل بود. متن مصاحبه را دوست جوانم آرش پروین پیاده کرد و رفیق شفقت علی سالم آن را ویراست. متن ترجمه را زهرا یوسفی پور و رضا رحمتی راد خط به خط با اصل مقابله کرده اند و بسیاری لغزش ها را رفع کرده اند. سهم شان در به ثمر رسیدن این ترجمه کم از مترجم نبوده است.